



مقدمه‌ای بر حقوق جهانی ارتباطات

گریزی از جهانی شدن حقوق نیست

امیر مقامی

جهانی شدن حقوق، دیگر آن رو یا و آرزویی نیست که «سالی» حدود ۱۰۹ سال پیش در «نمایشگاه بین‌المللی» پاریس بیان کرد، بلکه فرآیندی واقعی و گریزناپذیر در بسیاری از شاخه‌های حقوقی است. فرآیندی که با گسترش مطالعات حقوق تطبیقی و با توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل پیش می‌رود. حقوق بین‌الملل روش‌های عادلانه‌ای برای تاثیر گذاری نظام‌های حقوقی مختلف بر این فرآیند پیش‌بینی کرده است. در این فرآیند دو مرحله‌ای، ابتدا باید هنجارها و قواعد حقوقی مشترک کشف یا ابداع شوند. در پدیدار شدن قواعد مشترک، بیش از هر چیز نیازها و ضرورت‌های مشترک زیست بین‌المللی بشری تاثیر گذار است. در این مرحله حقوق بین‌الملل از طریق نهادهایی چون دیپلماسی چندجانبه در گردهمایی‌ها و سازمان‌های بین‌المللی با تدوین معاهدات، بستر لازم برای پیشرفت جهانی شدن حقوق را فراهم می‌آورد. در مرحله دوم هنجارهای مشترک از رهگذر نظام‌های حقوقی داخلی به قوانینی برای نظام‌های حقوقی تبدیل می‌شوند. اینجانب نیز حقوق بین‌الملل از منظر «مسئولیت بین‌المللی» دولت‌ها را نسبت به اصلاح قوانین داخلی در راستای تعهدات قراردادی و عرفی بین‌المللی‌شان ملزم می‌کند و نظام‌های حقوقی داخلی بر اساس الگوهای قابل پذیرش خود، تصویری از «همانگی» یا «یکسانی» قواعد حقوقی را به نمایش می‌گذارد اما یا حقوق ارتباطات نیز تحت تاثیر این فرآیند قرار گرفته یا می‌گیرد؟

حقوق جهانی ارتباطات

«حقوق جهانی ارتباطات» (Global Law of Communications) البته چیزی جز «حقوق بین‌الملل ارتباطات» (International Law of Communications) و «حقوق ارتباطات جهانی» (the Law of Global Communications) است؛ آن دسته از قواعد حقوقی نسبتاً جهانشمولی است که بر عرصه ارتباطات و فعالیت‌های رسانه‌ای حاکم است. این قواعد حقوقی در حال توسعه، بخشی تفکیک‌ناپذیر از فرآیند جهانی شدن حقوق

جهانی شدن حقوق به‌عنوان فرآیندی که تحت تاثیر نهادهای حقوق بین‌الملل، تدریجاً گسترش یافته است بر نظام حقوق ارتباطات نیز تاثیر می‌گذارد. علاوه بر قواعد حقوقی موجود در نظام حقوق بین‌الملل ارتباطات، نظام بین‌المللی حقوق بشر و قواعد مشترک کنونی نظام‌های حقوقی داخلی، می‌توان امیدوار بود که رویدادها و حوادث آینده، جهانی شدن حقوق ارتباطات را بیش از پیش تحت تاثیر قرار دهد.

یا از رهگذر حقوق بین‌الملل (مانند ایجاد سازمان‌های بین‌المللی برای تنظیم ارتباطات و مخابرات).

اینک به پرسش اصلی بازگردیم؛ آیا حقوق جهانی ارتباطات قابل تصور است؟ مبانی حقوق جهانی ارتباطات

در پاسخ باید میان موضوعاتی که به توسعه تدریجی حقوق جهانی ارتباطات کمک می‌کنند و راه «آینده» این توسعه را نشان می‌دهند، جدا از مبانی موجود مطالعه کرد.

الف - مبانی پیشامدی (Eventual) برخی روندها، رویدادها و حوادث (Events) پیرامون فعالیت‌های رسانه‌ای به توسعه تدریجی «حقوق جهانی ارتباطات» کمک می‌کند.

این دسته از مبانی، بیشتر به ایجاد قواعد حقوقی جدید می‌انجامد:

۱- مسائل و مضامین جهانی: مسائل و موضوعاتی که به بحران‌های بزرگ جهانی تبدیل می‌شوند بدون حضور و آگاهی بخشی رسانه‌ها قابل «شناسایی»

از آن تنظیم یا باز تنظیم مقررات داخلی دولت‌های متعهد باشد، به دنبال ایجاد قواعدی برای تنظیم روابط میان دولت‌ها با یکدیگر است؛ هر چند ناگزیر فرآیندهای حقوق بین‌الملل ارتباطات در مواردی به ایجاد هنجارهایی که باید در روابط میان دولت‌ها و شهروندان شان رعایت شوند نیز می‌انجامد؛ درست مانند آنچه در موازین بین‌المللی حقوق بشر مشاهده می‌شود. حقوق ارتباطات جهانی نیز مجموعه قواعد حقوقی است که بر فعالیت‌های ارتباطاتی و رسانه‌ای در عرصه جهانی حاکم است؛ خواه این قواعد از رهگذر حقوق داخلی ایجاد شده باشند (مانند قوانین مربوط به دریافت تصاویر ماهواره‌ای در یک کشور)

پذیرفته شده‌اند. بدیهی است منظور از «جهانی» بودن در اینجا آن نیست که هیچ سرزمین و دولتی خود را مبری از این هنجارهای مشترک نمی‌داند، بلکه منظور این است که جامعه بین‌المللی «در کل» (As A Whole) این قواعد را پذیرفته است و البته منظور از کاربست عبارت «در کل» در اینجا مشابهت‌سازی فرآیند جهانی شدن حقوق با فرآیند ایجاد قواعد آمره بین‌المللی نیست اما چه بسا برخی قواعد «حقوق جهانی» به مثابه قاعده آمره در «حقوق بین‌الملل» پذیرفته شوند ولی «حقوق بین‌الملل ارتباطات» صرفاً قواعد حقوقی است که در عرصه حقوق بین‌الملل کاربرد دارد و بیش از آنکه هدف

و به صورت عام بخشی از فرآیند گریزناپذیر جهانی شدن (Globalization) است. بدون قصد ورود به ماهیت این نظام حقوقی، در این یادداشت مختصر قصد دارم مبانی این «حقوق جهانی ارتباطات» را به‌عنوان یک ایده کلی و ابتدایی مطرح کنم. در واقع پرسش این است که چرا حقوق جهانی ارتباطات قابل تصور و امکان‌پذیر است و از کدام سرچشمه‌ها جاری می‌شود؟ پیش از این لازم است تعریف ابتدایی از عبارات فوق انجام شود تا بیش از این، درگیر تفاوت در برداشت‌ها از اصطلاحات نشویم. «حقوق جهانی ارتباطات» عبارت است از قواعد و هنجارهای حقوقی داخلی مشترکی که در نظام‌های حقوقی داخلی

پایان نامه

بررسی قاعده لزوم از دیدگاه فقه عامه و خاصه و قانون مدنی

مجید عبیدی*

محور بحث و موضوع پایان‌نامه، بررسی قاعده لزوم از دیدگاه فقه عامه و خاصه و قوانین مدنی است. این قاعده یکی از مهم‌ترین قواعد فقه و حقوق است و سیریه عقلا و خردمندان بر محترم شمردن عهد و پیمان و لزوم قرارداد است و شارع مقدس نیز این سیره و روش را تایید کرده و طبیعت عقد اقتضای لزوم را دارد و مفهوم اصل، آن است که هر کجا شک کنیم، عقدی لازم است یا جایز یا فسخ بر آن عقد تاثیر دارد یا خیر، بر اساس قاعده مزبور، اصل بر لزوم عقد است. بنا بر این اصل به معنای قاعده است مانند سایر قواعد از قبیل طهارت، تسلیط و صحت عقد و معنای لزوم عقد نیز آن است که هیچ یک از متعاقدين نمی‌توانند به‌طور یک‌طرفه عقدی را فسخ کنند مگر اینکه با اقاله و رضایت طرف مقابل باشد و بر اساس نظر فقها، لزوم حقی نیست که برای یک طرف ایجاد شده باشد بلکه لزوم حکمی است یعنی شارع مقدس بدین واسطه



فقهای امامیه این قاعده را به‌عنوان یک اصل مطرح کرده‌اند و اصل لزوم عقود را در معاملات اعم از تملیکی و غیر تملیکی جاری ساخته‌اند و این قاعده مورد اتفاق همه فقها است. بر اساس بررسی‌های به‌عمل آمده در آثار فقهی فرقه‌های مختلف عامه، مشخص شد که قاعده لزوم به‌عنوان یک اصل مورد پذیرش آنها است. مالکیان و حنفیان بر این اعتقاد دارند که همین که عقد بیع ایجاد شد، عقد لازم می‌شود. شافعی‌ها و حنبلی‌ها نیز معتقدند در صورتی که خیاری وجود نداشته باشد و در صورت خیاری، پس از به هم خوردن مجلس عقد و پراکنده شدن معامله کنندگان عقد لازم می‌شود.

در کل لازم بودن عقود، در مذاهب اهل سنت به‌عنوان یک اصل و قاعده مطرح است. در قوانین موضوعه نیز، قوانینی با مضمون لزوم عقود در قانون مدنی ایران مقرر شده است.

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی اراک (رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی)

حقی را برای دو طرف عقد ایجاد کرده که هیچ یک به تنهایی نمی‌توانند آن را فسخ کنند. در بحث عقود هم این قاعده شامل عقود عهدی اعم از تملیکی، غیر تملیکی، معلق و منجز است و شامل عقود ادنی نمی‌شود زیرا این عقود از ابتدا شامل آن نمی‌شده و به‌طور تخصصی از معنای عقد خارج شده است نه تخصصی. مستندات و مدارک این قاعده در فقه بسیار محکم و مستدل است. بر اساس ادله اجتهادی مانند قرآن، روایات، بنای عقلا و ادله فقهی مانند استحباب لزوم عقود ثابت شده است.

بر اساس آیات قرآن تمامی عقود لازم هستند و از همگان خواسته شده که بر عهد و پیمان‌های خود ملتزم و پایدار و وفادار باشند مگر اینکه دلیلی خارجی مثل حق خیاری بر آن عارض شده باشد که این خیاری ممکن است حقی برای طرفین یا یک طرف ایجاد کرده باشد که بر همین اساس نیز طرفین باید به آن پایبند باشند. روایات وارد شده در این زمینه نیز مؤید این مطلب هستند. طبق بررسی‌های به‌عمل آمده